

نقش سیره عقلاء در استنباط احکام شرعی

فریده بدیع زرگر^۱، پژمان الهامی طالشمیکائیل^۲

^۱ کارشناس ارشد فقه ومبانی حقوق اسلامی (مدرس دانشگاه

^۲ کارشناس ارشد حقوق دانشگاه پیام نور

چکیده

با توجه به پیشینه عظیم تاریخی، نقش سیره عقلاء از موضوعات مهمی است که از دیر باز محل بحث و اختلاف نظر بین اصولیان و فقیهان است بحث در خصوص سیره و عرف عقلاء در استنباط احکام شرعی و ماهیت آنها از جمله مباحث مهمی است که در این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با بررسی تطبیقی دیدگاههای اندیشمندان اسلامی از دوره های فقه و اصول استدلالهای هرگروه به طور دقیق و علمی در بوته نقد و بررسی قرار گرفته است و در آخر هر بحث و به جمع بندی هر بحث به جمع بندی نهائی از مباحث پیشین پرداخته شده است. بحث از سیره عقلاء در استنباط احکام شرعی از جمله مواردی است که مربوط به همه ادیان می باشد و به همین خاطر در بسیاری از مواقع مورد توجه هائی از طرف معاندین با اسلام و مذاهب دیگر قرار می گیرد و همین موضوع لازم می نماید که در خصوص شرایط و عوامل خاص سیره عقلاء و همچنین فلسفه این حکم از سوی اسلام و مذاهب دیگر مورد تحقیق و بررسی مجددی صورت گیرد. در این تحقیق در خصوص بررسی ماهیت اصولی سیره عقلاء از منظر اصول و حقوق شرع تحلیل فلسفه و علل تشریح سیره عقلاء در احکام شرعی و عقلی به بحث های مفصل پرداخته شده است و در آخر می توان به نتایجی مبنی بر اینکه سیره عقلاء در استنباط احکام شرعی از مسلمات مورد پذیرش دین اسلام می باشد و با ملاک قرار دادن ماهیت شرعی آن بسیاری از اختلاف نظر ها را می شود سامان داد. بنابراین سیره عقلاء در شرایط خاص به خاطر ارزش گذاری بی شمار به هویت انسان در احکام و شرع می باشد.

واژه های کلیدی: سیره، حجیت سیره عقلاء، حجیت استصحاب از دیدگاه عقلاء، سیره عقلائیة از دیدگاه شرع مقدس و قرآن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیره عقلاء یا عرف هنگامی می تواند بیش از پیش اهمیت و نقش عظیم و سازنده خود را در جامعه نشان دهد که ببینیم در زمانی چون زمان حاضر و جامعه ای چون این امت بزرگ مجتهد اگر از روش و بنای اندیشمندان و عاقلان در روابط و مبادلات غفلت کند نمی تواند باری از دوش مردم بردارد و مشکلی از مشکلات پیچیده آنان را پاسخ گوید و پیش آمدهای تازه و رخداد های بی سابقه آنان را با احکامی شرعی تطبیق دهد. به راستی بدون توجه به عرف زمان و مکان بنای عقلاء ارتکاز عقلی، عادت سنت، طریقه عقلاء و الفاظی از این قبیل که همه نماینده یک معنی هستند اگر مجتهدی فتوای دهد مثل آن است که در قرن های گذشته زندگی می کند و فتوای او در مسائل اجتماعی و روابط اقتصادی و سیاسی برای همان دوره های کهنه، جوابگو و کارساز است و دردی را از جامعه کنونی دوا نمی کند چرا که فتوای او مقلد را به کار نیاید و نیازهای او را مرتفع نسازد در این صورت معلوم است که جامعه به راهی که خود برگزیده است می رود و فتوای مجتهد که احياناً با مصالح عمومی سازگاری ندارد منزوی می شود و نقش خود را از دست می دهد اهمیت فزاینده سیره و عرف و تأثیر چشمگیری را که می تواند در اجتهاد داشته باشد مجتهدان را بر آن داشته است که توجه به عرف و سیره را به عنوان یکی از شرایط مهم اجتهاد به بررسی گیرند و از میان آنان امام خمینی (ره) را بر آن داشته که دقت عنوان تأثیر زمانی و مکان در متعلق و موضوع حکم و فتوای توجه مجتهدان را به معنی گسترده و بیکران عرف و سیره عقلاء جلب کند.

اگر بنای عقلاء و عرف نبود هیچ یک از امور نظم و سامان نمی یافت و بنابراین هیچ نیازی نیست که بگوئیم: شارع این عرف یا این سیره عقلایی را امضاء و تایید کرده و یا رد و منع نکرده است. مادام که منع شارع (در این زمان) ممکن نیست و امضاء کردن از تحصیل حاصل است. در این نگارش کوشش می شود تا ثابت شود شارع همواره روش عقلاء را در هر زمان و هر مکان معتبر دانند و امضاء و تقریر کرده است یا با سکوت خود مراتب رضایمندی و خوشنودی خود را به آگاهی ما رسانده است و بسیاری از احکام شرعی از جمله قضا و غیر آن همه بر محور سیره عقلاء و عرف می گردد و حقوق و ادبیات بر اساس آن شکل می گیرد و چرخ خطاب های شرعی و فهمیدن و فهماندن آن در پرتو سیره و عرف بر روی آن می چرخد و هر جا سیره عقلاء از جاده صلاح و صواب انحراف داشته جلوی آن گرفته شده و از آن منع و روگردیده است.

عرف و طریقه عقلاء که در میان مردم متداول می شود از سه حال خارج نیست گاه به حکم فطرت است و گاه در اثر تعلیمات یکی از پیامبران گذشته است و گاه به علت آن است که سلطانی قاهر جمیع عقلای عصر خود را به راه و رسمی واداشته و سپس در زمانهای بعد مردم همان روش را برای خود برگزیده اند و همچنان آن روش استمرار یافته تا از مرتکذات آنان یعنی مرتکز عقلی یا مرتکز عقلاء شده است. امر ارتکازی یا ارتکاز عقلاء یا امر مذکور در ذهن مفاهیمی هستند که معمولاً در اذهان عمومی و عرفی

عام بدون توجه به نظرو استدلال وجود دارند و مردم طبق آن ارتکازیات رفتار می کنند. مراد از سیره عقلا چیزی است اعم از روش خارجی عقلاء که بالفعل در میان جامعه متداول است یعنی به صورتی است که شامل مرتکزات عقلی نیز می شود. چیزهایی که در عقل عقلاء و ذهن آنان تمرکز و استقرار یافته اگرچه فعلاً سلوک خارجی برطبق آن مرتکز عقلی وجود نداشته باشد به خاطر آن که موضوع آن هنوز تحقق نیافته است به جای لفظ سیره عقلاء یا مواقف عقلائی است یعنی موقف ها و موقعیت های عقلائی است یعنی جهت گیری از آنان درباره هر امری از امور سیره عقلاء که انجام می گیرد.

تعریف سیره:

سیره عبارت است از ادامه و روش انسانها و هم فکری و هم دستی عملی آنها برانجام یا ترک کاری.

۱- سیره در لغت:

سیره در لغت به معنی دوروش است (مظفر، ۱۳۹۰)

۲- سیره در اصطلاح:

سیره در اصطلاح منظور، رویه عملی خردمندان اعم از مسلمین و غیر آن می باشد که آن را در اصطلاح بناء عطاء می گویند.

۳- ماهیت بنای عقلا:

با عنایت به تشتت آرا و آشفتگی علما و نویسندگان باید اذعان کرد که تعریف یا تبیین مفهوم بنای عقلاء امری سخت و دشوار و در عین حال مفید و بلکه ضروری است از پی جویی در آرای فقها و دانشمندان چنین بنظر میرسد که لاقلاً دودرک متفاوت از مفهوم بنای عقلاء وجود دارد.

الف: بسیاری بر این باورند که بنای عقلا تنها بر رویه یا روش اطلاق می شود که تمام خردمندان در همه ی ادوار بدان مبادرت ورزیده و در آن مشارکت دارند. بنای عقلا نوعی از عرف عقلاست که همیشگی و همه جایی باشد مانند استعصاب که فی جمله از مصادیق بنای عقلاست همچنین است «تصرف که علامت مالکیت شناخته شده تا خلاف آن محرز گردد» همچنین از مباحث مختلفی که توسط ایشان و در ارتباط با بنای عقلا مطرح شده است می توان دریافت که به نظر آنها «عنصر عمومیت» و یا اتفاق و اجماع عقلا از ارکان سیره عقلایی است و به صراحت اعلام می شود که در بنای عقلا امری است که همه عقلا در گذشته، حال و آینده با علم یا جهل به آن عمل کرده می کنند و یا گفته می شود که بنا و سیره ی عقلا عقل عملی آنها و در قبال اجماع قولی است. (فیض، ۱۳۸۲)

ب: درمقابل وخصوصاً درنزد متأخرین و نوسندگان نظر دیگری را می توان سراغ گرفت که براساس آن برای تحقق بنای عقلا لزومی به مشارکت عملی هرخردمندان آن هم درتمام زمانهاومکانها وجودندارد. گرچه کمتر کسی به این امرتصریح کرده ویا بحثی پیرامون آن مطرح نموده است ولی از لابه لای عبارات این دسته به ویژه با دقت دراستنادات، مصادیق و مثالهایی که برای بنای عقلا ذکر کرده اند چنین برداشتی استشمام می شود و به بیان دیگر کاربرد بنای عقلا درکلام اینان گاه به مواردی بیشترسرایت میکند که نه عمومی و همگانی و نه همیشگی و همه جایی است به نظر بعضی ازفقها دلیلی برای انحصارمعاملات درعقود معین وجود ندارد و هر معامله ی عقلایی صحیح است وجه ازبسیاری ازمعاملات رایج وازجمله عقدمساقات، عقلایی بودن آنهاست.

حجیت سیره عقلاء:

هرگاه عملی مورد تبانی جمیع عقلاء قرارگیرد بطوری که تمامی آنان بدون استثنا آن رویه رابپذیرندودر زندگی روزمره خود نیز آن را مبنی قرار داده باشند درصورتی که بطور قطع احرازگردد که شارع مقدس نیز به حکم آنکه ازعقلاء و بلکه در رأس آنان است و رویه عملی اونیزخارج از این بناء نمی باشد و ردع وطرودی هم درخصوص وکلمات از ناحیه وی بچشم نخورد می توان آنرا یکی ازحجیت های فقهی محسوب نموده مثلاً برای حجیت خبرواحد به سیره عقلایی تمسک شده چنین تبیین گردیده که جمیع عقلاء درمقام محاورات و بطور کلی در، زندگی روزمره خویش اصل رابرقبول خبرافراد مورد وثوق می گذارند با مراجعه میان عرف عقلاء به خوبی بدست می آید که از زندگی عادی با شنیدن گزارشی از سوی موثق برآن آثارلازمه را مترتب نموده و بسیاری از اوقات عملیات اجرایی را به دنبال آن آغاز می نمایند مگر آنکه به موجب دلیل و عامل موجهی خلاق واقع بودن آن ثابت گردد و باطن قوی برکذب آن ایجاد شود.

(فیض، علیرضا، ۱۳۸۲، ویژگیهای اجتهاد و فقه پویا)

۱- دلیل حجیت خبر واحد از دیدگاه بناء عقلاء:

این امری مسلم و جای هیچ گونه تردیدی نیست که همه عقلا با همه اختلاف سلیقه ها و منش هایی که با هم دارند بنا و سیره عملی شان برپذیرش خبرکسی است که به سخنش وثوق و به صدقش اطمینان دارند و ازدروغگوویی وی خود را امان می دانند و نیز برای انتقال و رساندن مقاصد خودبه افراد ثقه اعتماد می کنند این سیره عملی حتی دراوامرصادرشده ازپادشاهان و حاکمان امر نیز جریان دارد و سبب تحقق این سیره آن است که احتمالهای ضعیفی که درمقابل آن است درنظر ایشان کنار نهاده و الغا می شود و به آن اعتنایی نمی کنند مثلاً احتمال اینکه راوی ثقه عمداً دروغ گفته باشد یا خطا و اشتباه ویا غفلت کرده باشد مورد توجه ایشان نیست و به آن وقعی نمی نهند و (مظفر، محمد رضا، اصول فقه)

این سیره در همه ادیان و مذاهب وجود دارد زندگی مردم بر این سیره استوار است و حیات انسان را این سیره نظام می بخشد اگر این سیره نبود نظم اجتماعی برهم می خورد و آشفتگی بر آن چیره می شد زیرا اخبار متعارف آنچه به لحاظ سند و متن علم قطعی ببار آورد بسی اندک است خصوص مسلمانان نیز از دیر زمان تا کنون مانند دیگر مردمان در استفاده احکام شرعی چنین سیره ای داشته و دارند روش و منش آنان در این مسئله با دیگران یکی است.

۲- مهمترین ادله حجیت خبر واحد: مهمترین ادله حجیت خبر واحد سیره عقلاست در همه جای دنیا به خبر واحدی که مورد وثوق است ترتیب اثر می دهد سر این که عقلاء به خبر واحد عمل می کنند این است که اولاً خبر متواتر بسیار کمیاب و نادر است ثانیاً خبر واحد ثقه موجب اطمینان است بلکه از نظر عرض علم محسوب می شود و شارع هم این سیره را رد نکرده پس قبول دارد. (سبحانی فخر، قاسم، اصول فقه)

حجیت استصحاب از دیدگاه عقلاء:

شکی نیست که مبنای رفتار و سیره عقلای از میان مردم با وجود اختلاف در مشرب و ذوق بر این است که در هنگام شکر لاحق در بقا متیقن سابق اخذ به متیقن سابق می کنند و معیشت و زندگی مردم بر همین اساس است و اگر این قاعده نبود نظام اجتماعی مختل می شد و بازار و تجارتی برای مردم وجود نداشت و گفته شده است که این قاعده حتی در نفوس حیوانات نیز مرتکز است (مثلاً پرندگان پس از پرواز دوباره به لانه هایشان برمیگردند و چهار پایان پس از چریدن به طویله هایشان مراجعت می کنند و این بر اساس استصحاب و اخذ به متیقن سابق است ولی این تعمیم نسبت به حیوانات محل اشکال است بلکه میتوان آن را نوعی شوخی دانست چرا میثله احتمال و شک اصلاً در مورد حیوانات تحقق پیدا نمی کند تا این رفتارهای آنان استصحاب نامیده شود بلکه حیوانات در این مورد بصورت غیر آگاهانه مطابق عاداتشان رفتار میکنند. (مظفر، اصول فقه، ج ۲)

بناء عقلاء از منظر شیخ نائینی: بناء عقلا ثابت نشده مگر در جایی که شک در رافع باشد و اما آنجایی که شک در مقتضی است چنین بنایی از سوی عقلاء ثابت نشده است. (فراندامول الکاظمی - تقریران بحث النائینی، ۴/۳۳۱-۳۳۴)

سیره عقلائیة از دیدگاه شرع مقدس:

۱- سیره های مردوعه:

یعنی روشهای عملیه ای که عقلاء عالم در امور زندگی خود دارند ولی شارع مقدس آن سیره را رد و ابطال نموده و پیروان خویش را از اتباع آن سیره و اخذ به آن منع فرموده و طریقه اختراعی و جدید خودش را به آنان ارائه فرموده. مثلاً عقلاء عالم در موارد زیادی بر اساس قیاس منی می کنند اما شرع مقدس از عمل به آن منع نموده و بیش از ۵۰ روایت در رابطه با بطلان عمل به قیاس وارد

شده است و یامانند نهی از اخذ به خبر واحد در بعضی موارد ولو شخص راوی عادل باشد. مثل باب شهادت یعنی اخبار بر زنا که باید قول چهار نفر باشد و یا مثل باب حقوق و دعاوی که با شهادت عدلین باشد و عدل واحد کافی نیست (محمودی، علی، شرح اصول فقه، ۱۳۷۵)

۲- سیره های ممضاه:

یعنی سیره هایی که شرع مقدس مستقیماً آنها را امضاء فرموده و بر روی آنها صحه گذاشته اگرچه قیودی و محدودیتی هایی در آن جعل نموده نظیر معاملات که شارع بیع و دادوستد را حلال قرار داده یعنی امضاء نموده که این احلال، احلال امضایی است «أجل الله بیع ای امضاه»

۳- سیره های غیر مردوعه:

یعنی سیره هایی که نه مستقیماً از سوی شارع مقدس رد شده و نه امضاء شده نظیر اخذ به خبر ثقه. حال از این اقسام سه گانه قسم اول بالرجاع از درجه اعتبار ساقط است به درد استنباط احکام شرعیه نمی خورد و قسم دوم قطعاً معتبر است ولی قسم سوم محل نزاع است. جمع قلیلی مدعی شده اند که مجرد عدم الردع کافی نیست. اما مشهور علما بر آنند که این قسم هم مانند قسم دوم حجّت است و ما از عدم ردع شارع استکشاف میکنیم. امضاء شارع را یعنی می گوئیم: این سیره عقلائییه در منظر و مسمع شارع بوده و مع ذلک ردع نشده اگرچنین سیره ای مرض شارع نبود هر آینه از اتباع آن ممانعت بعمل می آورد و روش جدیدی رابه پیروان خود ارائه می نمود و اگر روش جدیدی را بیان نموده بود حتماً بدست ما هم می رسید و اگر به ما می رسید یا بصورت خبر متواتر بود و یا لااقل بصورت خبر واحد چون مقتضی موجود بوده و موانع هم عموماً مفقود بوده زیرا مسئله یک مسئله سیاسی نبوده که بنابر پنهان کاری باشد در حالیکه بوجه من الوجوه و بطریق من الطرق بدست ما نرسیده پس کشف می کنیم که روش جدیدی نبوده بلکه همین روش را شارع هم قبول دارد.

حجّیت سیره عقلا در قرآن مجید:

«السیره الحاله التی یكون علیها الانسان و غیره غریزاً کان او مكتسباً یتال: فلان له سیره حسنه و سیره قبیحه و قوله سنعیدها سیرتها الاولى الا الحاله التی کانت علیها من کونها عودا» (طه: ۲۱)

سیره در اصطلاح اصولیان روش و استمرار عادت و تبانی عملی ایشان بر انجام یا ترک کاری است اگر این رفتار خاص میان همه عقلا و عرف عام باشد سیره عقلایی و بنای عقلا خوانده می شود و اگر اختصاص به مسلمانان داشته باشد به آن سیره متشرحه گفته میشود.

۱- قلمرو، و اعتبار بنای عقلا:

با آنکه بنای عقلا بهترین دلیل تلقی شده است برخی از فقها در وجود و عمومیت چنین قاعده ای تردید کرده و سیره عقلا را در موارد محدود قابل استناد داشته اند ایشان در هنگامی که غاصب مال غصبی را در اختیار دیگر قرار می دهد تا آن را تلف کند یا شخصی مال مالک را به او می دهد و مالک نیز با گمان تسلیط مجانی از سوی اعطا کننده آن را تلف می کند این سیره را جاری و حاکم می دانند زیرا غرور به خدعه بدون هیچ تردیدی موجب ورود ضرر و ضمان مغرور می باشد در معاملات معوض مانند بسیج نیز اگر غرور صدق کند یعنی فروشنده به عنوان حال خودش آن را به قیمتی ارزان و با قصد تقرب به خداوند بفروشد یا بر خریدار شرط کند که او مال را برای مصرف شخصی اش یا در راه احسان به دیگری مصرف کند سیره خردمندان فروشنده را فریب دهنده و سبب تلف محسوب می کند زیرا او ائتلاف مال را بر خریدار شرط کرده است در غیر این صورت قاعده غرور جاری نخواهد بود ولی بنظر می رسد این گونه محدودیتها فاقد توجیه و دلیل قابل قبول باشد و همان ضابطه و معیاری که نویسنده مطرح کرده است در دیگری موارد غیر قابل ملاحظه است.

۲- دلایل و مبانی اعتبار قاعده غرور از دیدگاه بنای عقلا:

در عرف هرگاه عقلا از عمل دیگر فریب خورده و بر اثر آن زیان ببینند برای جبران خسارتها به شخص فریب دهنده مراجعه کرده و آنها را از او مطالبه می کنند این روش در میان خردمندان امری متعارف و رایج محسوب می شود (مکارم شیرازی، القواعد الفقهیه، ج ۲ ص ۲۸۷) و فقها و نویسندگان نیز آن را به عنوان دلیل اثبات قاعده غرور مطرح ساخته اند این سیره در معامله ها و دیگر اعمال اشخاص که موجب غرور و تضییع دیگری شود جاری است و عقلا شخص متضرر را از انجام چنان کاری مطالبه خسارتها از فریب دهنده منع نکرده و آنرا قبیح نمی دانند بلکه بر عکس غار را موظف به پرداخت تاوان و تحمل غرامت می دانند به علاوه چنین مسئولیتی در نظر عقلا محدود به زمان یا مکان خاص نبوده و در همه اصول نسبت به اموال و غیر اموال مانند ویژگیهای مورد نظر در طرف مقابل یا حقوق معنوی اعمال میگردد اگر در صورت فریبکاری، عمل فریب خورده موجب زیان دیگری گردد هر چند او به دلیل مباشرت در ورود ضرر ضامن است ولی حق رجوع به غار و مطالبه خسارتها از او را دارد (آیت اله خویی، مصباح الفقاهه، ج ۴، صص/ ۲۸ و ۲۸۲).

۳- تقلید و اجتهاد از دیدگاه بناء عقلا:

آنچه در روایات و احوال علمای شیعه درباره نکوهش و ردّ اجتهاد دیده میشود اجتهادی است که از نظر مصداق با قیاس، استحسان و رای متحدثان شاید با توجه به این وجه تمایز بوده است که محقق حلی (متوفای ۶۷۶) برای نخستین بار تعریفی همانند تعاریف موجود در کتاب های دانشمندان غیر شیعی از اجتهاد ارائه داد و نیز شیعه را اهل اجتهاد معرفی نمود و گوشزد کرد که قلمرو

اجتهاد شیعی مختص، جمع اخبارمتعارض و تفریع فروع بر اصول مخصوص است (محقق حلی، معارج الاصول، ص ۲۴۰، ۱۸۰، ۱۷۹ و ۴۴۱).

درمقابل این مصادیق اجتهاد به حمل شایع اجتهاد به حمل اولی به معنای کوشش مجتهد استخراج حکم شرعی از ادله ومصادر آن است شیوه های اجتهاد در احکام شرعی غالباً همان شیوه های فطری عقلاء در کشف مجهولات علمی می باشد بر این اساس آنچه در این زمینه به اثبات رسیده ارشاد به همان روشها و هشدارهایی است مبنی بر لزوم رعایت مرزهای معقول فهم احکام این نصوص بیانگر احکامی است که حدود شرعی و عقلی استنباط تفقه واجتهاد را مشخص می کند با چنین رویکردی نسبت به اجتهاد در ضرورت و مشروعیت آن جای مناقشه و گفت و گو باقی نمی ماند (فاضل تونی، الوافی، ص ۲۹۵ و ۲۹۶) البته گرایش فطری اخباریها با تعلیل باب اجماع و عقل در تشریح و بستن راه فهم کتاب و سنت پیامبر (ص) راه هر نوع فعالیت و کوششی به نام اجتهاد وابسته و نصوص روایات اهل بیت را شیوه قطعی فهم و فقه احکام معرفی کرده است با چنین فرضی جایی برای اجتهاد و کاوش نظری در کتاب و سنت باقی نمی ماند.

(محمد امین استرآبادی، الفوائد المدینه، ص ۴۷ حسین مدرسی طباطبائی، مقدمه ای بر فقه شیعه، ص ۵۸)

مرجعیت از دیدگاه سیره عقلائی:

مرحوم آیت الله العظمی خوئی قدس سره می فرماید:

بناء عقلاء در هر کار و صنعت بلکه در تمام امور دنیوی و آخروی این است که جاهل به عالم رجوع می کند و شریعت مقدس اسلام این بناء عقل را رد نکرده است (آیت اله خوئی، التنقیح فی شرح الحروه الوثقی (۸۳/۱)

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که از نظر گذشت به عنوان نتایج مباحث طرح شده میتوان گفت: سیره عقلاء روش عمومی مردم در محاورات و معاملات و سایر روابط اجتماعی شیوه توده عقلاء است مردم از هر مذهب و ملت در پیروی از روش خاص و طریقه ای مخصوص به سیره عقلاء میل و گرایش دارند.

سیره عقلاء یا عرف هنگامی می تواند بیشتر اهمیت و نقش عظیم و سازنده خود را در جامعه نشان دهد که ببینیم در زمانی چون زمان حاضر و جامعه ای چون این امت بزرگ، مجتهد در پرتو سیر و سلوک مردم خردمند و سیره عقلاء و سنت های مردمی

به اجتهاد می پردازد با این باور که اگر از روش و بنای اندیشمندان و عاقلان در روابط و مبادلات غفلت کند نمی تواند باری از دوش مردم بردارد و مشکلی از مشکلات پیچیده آنان پاسخ گوید و پیش آمدهای تازه ورخداهای بی سابقه آنان رابه احکامی شرعی تطبیق دهد.

با عنایت به تشتت آرا و آشفتگی علما و نویسندگان باید اذعان کرد که تعریف یا تبیین مفهوم بنای عقلاء امری سخت و دشوار و در عین حال مفید و بلکه ضروری است.

بسیاری بر این باور هستند که بنای عقلا تنها بر رویه یا روشی اطلاق می شود که تمام خردمندان در همه ی ادوار بدان مبادرت ورزیده و در آن مشارکت دارند چنان که گفته شد بنای عقلا نوعی از عرف عقلاست که همیشگی و همه جایی باشد مانند استصحاب که فی الجمله مصداقی از مصادیق بنای عقلاست.

سیره عقلاء در همه ادیان و مذاهب وجود دارد زندگی مردم بر این سیره استوار است و حیات انسان راهمین سیره نظام می بخشد اگر این سیره نبود نظم اجتماعی برهم می خورد و آشفتگی بر آن چیره میشد زیرا اخبار متعارف آنچه به لحاظ سند و متن علم قطعی زیادی آورد بسیار اندک است خصوص مسلمانان نیز از دیر زمان تا کنون مانند دیگر مردمان در استفاده از احکام شرعی چنین سیره ای داشته و دارند؛ روش و منش آنان در این مسأله با دیگران یکی است چنان که آنان از آن جهت که در شمار عقلا نیست در غیر احکام شرعی نیز همین سیره و روش را دارند اینک که ثابت شد سیره و روش عقلائی مردم، و از جمله مسلمانان، بر قبول و پذیرش خبر واحد ثقه است می افزاییم که شارع مقدس نیز با ایشان هم روش است زیرا او نیز از عقلا و بلکه رئیس ایشان است پس تا وقتی که برای ما ثابت نشده که او در تبلیغ احکام راه و روش ابداعی ویژه ای متفاوت با روش عقلا در پیش گرفته باید بدانیم که او همین طریقه عقلایی را مانند دیگر مردم پذیرفته است چرا که اگر دو روش خاص غیر مسلک عقلا داشت و آن را ابداع کرده بود آن را منتشر می کرد و برای مردم روشن می ساخت و آشکار و مشهود می شد و دیگر سیره مسلمانان همانند سیره بقیه مردم شکل نمی گرفت.

بنای عقلا در خصوص تقلید از مجتهد مرده آن است که از نظر بنای عقلا و حکم عقل تفاوتی میان فتوای مجتهد زنده و مرده وجود ندارد زیرا هر دو آن ها طریق به واقع بوده و از این جهت فرقی ندارد ولی صرف این که فتوای آن دو از ارتکاز عقلا و حکم عقل تفاوتی ندارد برای جواز عمل کافی نیست بلکه لازم است بنای عقلا بر عمل مردن به فتوای مجتهد مرده همچون مجتهد زنده و متعارف بودن آن نزد آنها ثابت شود تا عدم منع شارع کاشف از امضای او باشد در غیر این صورت اگر فرض شود که عقلا طبق نظر مجتهد مرده عمل نمی کند هر چند که از نظر بنای عقلا فتوای او با رأی مجتهد زنده فرقی نداشته باشد موردی برای منع شارع وجود ندارد تا از نبود آن امضای شارع کشف گردد.

منابع

قرآن کریم

- ۱- آشتیانی، محمد حسن، بحرال فوائد، قم: کتابخانه ایت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳
- ۲- اسلامی، رضا، اصول فقه حکومتی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۲
- ۳- انصاری، مرتضی، رسائل، در بحث از حجیت کتاب و سنت و اصول فقه مظفر، ج ۱، ص ۳۱
- ۴- بروجردی، سید حسین، نه‌ایة الاصول، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵
- ۵- جناتی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۸. مصادر اجتهاد از منظر فقیهان، قم، چاپ اول
- ۶- حیدری، علی نقی، ۱۳۷۹. اصول استنباط، مترجم غرویان محسن، شیروانی علی، قم
- ۷- حق پناه، رضا، ۱۳۹۰. قران و دانش اصول، تهران، چاپ اول
- ۸- خمینی، روح الله، ۱۳۶۸. اجتهاد و تقلید، مترجم دانش پژوه وهاب، تهران، چاپ اول
- ۹- خویی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ج ۴، صص ۲۸۱-۲۸۲
- ۱۰- دشتی، محمد، ۱۳۹۰. فلسفه اجتهاد و تقلید، تهران، چاپ اول
- ۱۱- رشاد، محمد، ۱۳۵۵. اصول فقه، تهران، چاپ دوم
- ۱۲- رضازاده، حسن، ۱۳۸۸، درس نامه اصول فقه، تهران، چاپ اول، جلد اول
- ۱۳- رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۷. اصول فقه مقارن، قم، چاپ اول
- ۱۴- سبحانی، جعفر، ۱۳۹۰. ترجمه الموجز فی اصول فقه، قم، چاپ هفتم، جلد دوم
- ۱۵- اصول فقه، ترجمه و شرح الوسیط، مترجمان ربانی مسعود، محمدی محمد حسین، قم، چاپ اول، جلد دوم